

Unit 8 book 3

سالگرد

سالگرد روزی است که چیزی از گذشته را جشن می گیرد.
والدین من برای سالگرد ازدواجشان برای غذا خوردن بیرون رفته بودند.

حساب

حساب ریاضی است.
من دوست دارم در مدرسه حساب بخوانم.

شرمنده

خجالت کشیدن احساس ناراحتی است زیرا کار اشتباهی انجام داده اید.
وقتی فهمید من از گذشته او می دانم شرمنده شد.

ترکیدن

ترکیدن به معنای ناگهانی باز شدن یا جدا شدن است.
بمب بر فراز شهر ترکید.

نجار

نجار کسی است که چیزها را با چوب می سازد.
ما یک نجار استخدام کردیم تا یک کمد درست کند.

ذغال سنگ

ذغال سنگ یک سنگ سیاه سخت است که شما آن را برای گرما می سوزانید.
بسیاری از نیروگاه ها برای تولید انرژی ذغال سنگ را می سوزانند.

کاناپه

کاناپه یک صندلی بلند و نرم است که بسیاری از افراد می توانند روی آن بنشینند.
کاناپه جدید کیم و ام آرتین بسیار گران بود.

چکه کردن

وقتی مایعی چکه می کند ، هر بار فقط کمی مایعات می ریزد.
من شنیدم که آب شیر چکه می کردم.

ظریف

اگر چیزی زیبا باشد ، بسیار فانتزی و دلنشین است.
در ژاپن ، زنان در موارد خاص کیمونوی ظریف می پوشند.

تاروپود

تار و پود پارچه ای است که برای ساخت لباس ، مبلمان و غیره استفاده می شود.
حوله ها از تاروپودی نرم ساخته شده اند.

ارتفاعات

ارتفاعات مناطق مرتفع زمینی است که معمولاً کوهستانی است.

این مرد در ارتفاعات خانه کوچکی داشت.

عاج

عاج یک ماده سفید و سخت است که از فیل ها می آید.

عاج های بلند فیل بسیار چشمگیر به نظر می رسید.

آسیاب

آسیاب ساختمانی است که در آن آرد درست می شود.

کشاورز گندم خود را به آسیاب برد تا تبدیل به آرد کند.

سوزن

سوزن قطعه ای کوچک و تیز از فلز است که از آن برای ساختن و اصلاح لباس استفاده می کنید.

من از یک سوزن برای رفع سوراخ شلوارم استفاده کردم.

جلا دادن

جلا دادن چیزی به معنای مالش دادن آن است تا براق شود.

مارک تمام صبح را برای عروسی کفش های خود را صیقل می داد.

دوختن

دوختن به معنای قرار دادن تکه های پارچه با استفاده از رشته است.

خیاطی را از کودکی یاد گرفتم.

سوله

سوله یک ساختمان کوچک است که در آن وسایلی مانند ابزار را در آن ذخیره می کنید.

ما در حیاط خانه یک سوله کوچک برای ذخیره سازی داریم.

نخ

نخ یک رشته نازک است.

من در خانه رنگهای مختلفی از نخ دارم.

کم کردن

کوتاه کردن چیزی به معنای کم کردن آن است.

امروز بعد از ظهر موهایم را مرتب کردم.

به بالا

اگر چیزی به سمت بالا برود ، به صورت عمودی بالاتر حرکت می کند.

بادبادک بیشتر و بیشتر به سمت بالا رفت.

هدیه سالگرد

جو نجاری بود. وی در ارتفاعات خانه هایی ساخت. همسر جو استلا از سوزن و نخ برای دوخت لباس های زیبا استفاده کرد.

او فقط از پارچه های زیبا برای ساخت لباس استفاده کرده است.

از آنجا که آنها پول زیادی نداشتند ، آنها در یک سوله قدیمی زندگی می کردند. وقتی باران می بارد آب می چکید. آنها به جای کاناپه صندلی های شکسته داشتند. اما آنها ذغال سنگ برای گرما و آرد آسیاب شده برای تهیه نان داشتند. آنها با هم بوته ها را اصلاح کردند تا خانه آنها زیبا به نظر برسد. جو و استلا فقیر بودند ، اما خجالت نمی کشیدند. آنها خوشحال

بودند.

گاهی اوقات عصر ، در مرکز شهر قدم می زدند. آنها به ویتترین فروشگاه ها نگاه کردند و خواب دیدند. استلا یک برس مو با دسته عاج می خواست. او هر روز موهای خود را به سمت بالا می کشید زیرا برس نداشت تا موهایش را زیبا کند. جو می خواست ساعت پدربزرگش را درست کند.

استلا برای سالگردشان می خواست جو را به آنچه می خواست برساند. اما بعد او حساب کرد. صرفه جویی در هزینه کافی حداقل شش ماه طول می کشد. سپس او ایده ای گرفت. او همه موهایش را کوتاه کرد و فروخت.

در همین حال ، جو می دانست که هرگز نمی تواند ساعت خود را تعمیر کند. بنابراین آن را صیقل داد و فروخت. او به اندازه کافی برای خرید برس کار کرد.

در سالگرد آنها در باز شد. جو از دادن هدیه خود به استلا هیجان زده شد. اما ابتدا استلا به او پول داد تا ساعت را تعمیر کند. وقتی همسرش را بدون هیچ مویی دید ، لبخند زد. جو گفت: "من ساعت را فروختم تا چیزی برایت بخرم." او قلم مو را به او داد ، و او خندید. هر دو حاضر بودند برای خوشحال کردن یکدیگر چیز خیلی خاصی را کنار بگذارند.

Last modified: 9 Jun 2021